

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

فریده نوری

جمعه ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

مترجم: فریده نوری

چهارشنبه ۰۸ دسامبر ۲۰۲۱

ستراتیژی چین برای افغانستان چه خواهد بود؟

کنفرانس در:

Institut National des langues et Civilisations Orientales

تاریخ: دوم دسامبر ۲۰۲۱

کنفرانس دهندگان: شهبانو تاج بخش (Shahbanou Tadjbakhsh) استاد در انستیتوت پولیتیک پاریس و متخصص آسیای مرکزی و افغانستان، Emanuel Véron تخصص جغرافیه و چین معاصر و Mathieu Duchâtel چین شناس، می کوشند تا ستراتیژی چینایی ها را در افغانستان تعریف و تحلیل نمایند که آیا دولت طالبان یک همکار قابل اعتماد و قابل قبول برای پیکن می تواند باشد؟ و به صورت بسیار وسیع می کوشند تا به مؤقف مرکزی که افغانستان بالای تمام آسیای میانه در نزد چینایی ها دارند، روشنی ببینانند.

به تاریخ بیست و هشتم جولای ۲۰۲۱ در حالیکه طالبان به سرعت به طرف کابل در حرکت بودند، چین از یک هئیت رسمی تحریک طالبان در شهر Tianjin پذیرایی نمود. به این ترتیب چین خود را به یک عصر جدید آماده ساخت، که همانا یک افغانستان تحت کنترل طالبان و بدون موجودیت امریکایی ها.

چین و همچنان روسیه، سفارت های خود را در کابل باز نگهداشته و تماس های شان با به قدرت رسیدن طالبان، با آن ها افزایش یافته است، و کمک بشری سی ملیون دالری را به افغانستان وعده نموده و از مؤسسات بین المللی می خواهند تا سرمایه های افغانستان را آزاد سازند.

موضوع بیشتر بالای بازی های اقتصادی و امنیتی می باشد، زیرا چین به فکر پروژه عظیم و بزرگ راه ابریشم است. چین که با افغانستان هفتاد و شش کیلومتر سرحد مشترک دارد، می کوشد که به کمک طالبان بر علیه مبارزین ایغور که در خاک افغانستان پناه گزین شده اند، مبارزه کند.

آیا بعد از گرفتن قدرت توسط طالبان، کدام خطر متوجه چین است؟
پیکن حالا از یک طرف در مقابل تهدید و بی ثباتی در سرحد خود، و از طرف دیگر از سرازیر شدن جهادپرستان ها در منطقه خوف دارد :

امریکایی ها کابل را تخلیه نمودند، جو بایدن مورد ملامتی و انتقاد شدید قرار گرفت، اخبار گلوبل تایمز (Golobal Times)، نشریه حزب کمونیست چین که به انگلیسی نشرات دارد، به خرسندی می نویسد: "کامیابی فوری و سریع طالبان یک ضربه شدید به خودخواهی و غرور امریکا وارد نمود". با وجود آن در عین مضمون اخبار مذکور خاطر نشان می سازد که چین نیز باید "محتاط" باشد.

قرار گزارش واشنگتن پوست، پیکن حالا باید "در مقابل تهدید و بی ثباتی در سرحد خود" احتیاط نماید.

این سرحد بین چین و افغانستان بسیار بزرگ نیست. در حدود هفتاد کیلومتر و کاملاً کوهستانی که گذشتن از آن آسان نیست. لاکن همین سرحد طالبان را از منطقه سین کیانگ Xinjiang که برای چین یک منطقه فوق العاده حساس می باشد جدا می کند. در همین منطقه بود که حزب کمونیست چین ده میلیون ایغور را که اکثریت شان مسلمان اند، شدیداً سرکوب نمود، و در حدود یک میلیون آن ها را در کمپ ها توقیف نمود.

قرار گزارش امریکایی ها، این کمپ های اجباری یک پروگرام "قوم کشی یا نسل کشی، génocide" می باشد.

نشریه Nikki Asia چنین تشریح می کند:

پیکن از سرازیر شدن جهادپرستان ها و ورود مبارزین اسلامپرستان در منطقه سین کیانگ، که یک سرحد طولانی با تاجکستان دارد و همچنان تاجکستان با افغانستان هم سرحد است.

فلهذا کنترل این منطقه برایش بسیار مشکل می باشد و به همین دلیل بسیار در هراس بوده، و ترس خود را از این ناحیه در اخیر ماه جولای در دیدار با هیئت بلند پایه طالبان ابراز نموده بود.

واشنگتن پوست می نگارد "هنگامیکه وزیر امور خارجه Wang Yi" مسؤلین بلند پایه طالبان را که در آن جمله ملا عبدالغنی برادر یکی از بنیادگذاران طالبان می باشد نیز شامل هیئت بود، استقبال نمود، "در هنگام مجلس" وزیر خارجه چین Wang Yi از طالبان تقاضا نمود که ارتباطات خود را با تحریک اسلامپرستان ترکستان شرقی قطع نمایند" زیرا یک تشکیل از جهادپرستان های ایغور می باشد و پیکن آن ها را متهم به چندین حمله در داخل خاک خود در این چند سال اخیر می نماید.

این یک خبر تازه نیست، واشنگتن پوست به خاطر دارد که در یک راپور، Wang Yaning استاد در اکادمی قوای پولیس مسلح چین، که در سال ۲۰۰۲ میلادی به نشر رسیده بود، این اخیر الذکر از موجودیت کمپ ها برای تمرین حملات تروریستی "جدایی طلبان ایغور" در منطقه سین کیانگ چین تشویش نشان داده است.

قرار گزارش اخبار امریکایی، مسؤلین چینی از این که افغانستان یک پناهگاه برای گروپ های جهادی منجمله تحریک طالبان ترکستان شرقی تبدیل گردد، در ترس و هراس اند.

اخبار وال ستریت سوال می کند: آیا این خطر یقیناً موجود است؟

آیا یک بهانه برای پیشبرد سیاست پیکن جهت سر به نیست کردن ایغور ها نیست؟

در این اخبار خواننده می شود که تحریک طالبان ترکستان شرقی در شروع سال های دو هزار میلادی از بین رفتند، و رهبر تاریخی شان در سال ۲۰۰۳ میلادی توسط یک drone در پاکستان کشته شد.

باز هم به قرار گزارش اخبار وال ستریت هیچ علامه که نشان دهد که ایغور ها در خارج تمرین می کنند تا بعداً دوباره به چین داخل شده و حملات تروریستی انجام بدهند، موجود نیست.

از طرف دیگر سال ها قبل امریکا تحریک اسلامیت ترکستان شرقی را از لیست تشکیلات تروریستی محو کرد، و اخبار متذکره علاوه می کند که هیچ یک ثبوت قابل قبول از موجودیت این گروپ در این ده سال اخیر موجود نیست.

لاکن وقتی نشریه Nikkei Asia از محقق Andrew Small در این مورد سوال نمود: به جوابش اظهار کرد، که جهادیت های ایغور در داخل یک چوکات دیگر تشکیل گردیده اند، فلها اکثریت کدر های شان اصیل سین کیانگ می باشند، و به تعداد صد ها نفر از اعضای شان در سال ۲۰۱۰ میلادی در جنگ سوریه اشتراک داشتند.

قرار اظهارات یک محقق دیگر به نام Haiyun Ma تهدید "یقینی" موجود است، با وجودی که هیچ نوع ریسرچ قابل اعتبار در مورد تعداد مبارزین اسلامیت های ایغور در آسیای مرکزی در دست نیست، اخبار متذکره به حیث ثبوت، حمله انتحاری علیه سفارت چین در قرغزستان در سال ۲۰۱۶ میلادی را مثال می دهد، و نیز در این سال های اخیر خشونت ها علیه کارگران چینی در پاکستان نیز روز افزون است.

اخبار وال ستریت می افزاید که چین از گرفتن قدرت توسط طالبان و بی ثباتی منطقه ترس دارد. رهبران چینی از مداخله نظامی در چنین اوضاع سیاسی فوق العاده بحرانی مطلقاً اجتناب می کنند.

زیرا چین نمی خواهد که بعد از ناکامی شوروی ها و امریکایی ها خود را در تلک یا دام افغان ها بیاندازد.

از روسیه تا چین: جلوگیری از تهدید جهادست ها

برعکس قدرت های غربی، چین و روسیه واضحاً ابراز نمودند که اراده و عزم گفت و گو و مذاکره را با رهبران نو کابل دارند.

با هدف واضح و روشن: که جلوگیری از تهدید تروریست ها می باشد.

بر خلاف قدرت های غربی، مسکو و پیکن سفارت خانه های شان را با آمدن طالبان تخلیه نکردند. چین و روسیه برخلاف ممالک غربی به صورت واضح خاطر نشان ساختند که آرزوی مذاکره و گفت و گو را به هدف جلوگیری از تروریسم با رهبران نو کابل دارند.

در حقیقت این دو کشور از تغییر رژیم در افغانستان به دلیل بی ثبات شدن همسایه های آسیای مرکزی شان ترس دارند. زیرا در این کشور ها (کشور های آسیای مرکزی) نیز سلول های جهادست ها موجود است که بعضی شان با طالبان همکاری نموده اند.

تهدید دوگانه برای هر دو قدرت (چین و روسیه):

از یک طرف آسیب پذیری و ناپایداری رژیم جمهوریت های شوروی سابقه، که در صورت حمله و یورش تحریک اسلامیت ها از هم متلاشی می شوند. از طرف دیگر حملات بالای منافع چین و روسیه در کشور های آسیای مرکزی، و حتی خاک چین و روسیه، مانند حملات در سال ۲۰۱۷ میلادی در Saint-Petersbourg. در مقابل این خطرات، یک گفت و گوی روشن با طالبان، که تعهد نمایند که هیچ نوع هدف و آرزوی حملات را در خارج از خاک افغانستان ندارند، و هم تعهد نمایند که از خاک افغانستان به حیث یک پایگاه عقبی جهاد کُلی (Jehad Global) استفاده نمی شود.

اما هیچ نوع تضمین وجود ندارد که اقتدار نو افغانستان بتواند حتی از تهدید گروپ های رقیب جلوگیری کند.

از داعش شروع می کنیم که با حمله در میدان هوایی کابل یاد آوری کردند که چه اندازه بالای آینده تأثیر گذار خواهند بود.

آیا طالبان خواهند توانست یک مخاطب قابل اعتماد برای پیکن و مسکو در مبارزه علیه تروریسم باشند؟

این دو قدرت قبلاً همراهی اسلامیت ها چه نوع ارتباط داشتند؟

خارج از سوال جهادپرست ها، چه نوع منافع افغانستان برای چین و روسیه عرضه خواهد کرد؟ با موجودیت داشتن ارتباط همجواری با طالبان، پوتین با داشتن ADN امنیتی، خوب می داند که در افغانستان شاید سلول های ترکیب دوباره شبکه های جهادپرست، با داعش و القاعده با هم وصل شوند، و می داند که احتمال همدستی بین شان وجود دارد.

از طرف دیگر امریکا هنوز آماده نیست که طالبان را ببخشد، غیر از این که با چین و روسیه گفت و گو نماید، انتخاب دیگر ندارد.

همچنان امریکایی ها می دانند که روسیه توانایی مالی ندارد که افغانستان را در بازسازی آن کمک کند، تنها چین به این کار قادر است.

تاجکستان تحت فشار:

در بین ممالک آسیای مرکزی، تاجکستان از دوباره به قدرت رسیدن طالبان، با دلیل خطر بی ثباتی در هراس است، زیرا افغانستان و تاجکستان یک هزار و سه صد کیلو متر سرحد مشترک دارند، که این سرحد مورد توجه خاص قرار دارد.

تاجکستان که از جمله جمهوریت های سابقه شوروی می باشد به تاریخ پنجم آگست یک مانور بزرگ نظامی با روسیه و ازبکستان، که دوام آن بی سابقه بود، انجام دادند. زیرا چندی قبل از این مانور نظامی آن ها، طالبان ولسوالی های همجوار سرحد را فتح نموده بودند.

طالبان: به رسمیت شناختن بدون شرایط

در حالیکه افغانستان در یک بحران اقتصادی با عاقبت خیلی وخیم از نظر بشری غرق شده است، به رسمیت شناختن رژیم شان توسط جامعه بین المللی برای طالبان یک اصل عمده می باشد.

فلهذا دادن تضمین امنیتی در مقابل تروریزم برای شان از نقطه نظر دیپلماتیکی، موجودیت شان را اجتناب ناپذیر می سازد. به تاریخ بیست اکتوبر مسکو از هئیت طالبان و نمایندگان چین، ایران و پاکستان پذیرایی نمود. قبل از این رهبران نو افغانستان با امریکا و اتحادیه اروپا در قطر ملاقات نمودند. همچنان ترکیه نیز از طالبان پذیرایی به عمل آورد.

در ماه سپتامبر طالبان تقاضای اشتراک در مجلس عمومی شورای امنیت ملل متحد را نمودند. رفت و آمد های زیاد دیپلماتیکی طالبان نشان دهنده عجله طالبان است تا رژیم شان در صحنه بین المللی به حیث یک دولت مشروع شناخته شود.

به همین دلیل:

افغانستان آهسته آهسته به یک بحران اقتصادی با نتایج تراژیدی بشری غطه ور گردید.

از نقطه نظر پلان بین المللی شناسایی طالبان یک بازی بسیار بزرگ به نفع افغانستان می باشد، زیرا سه بر چهار مصارف عامه کشور توسط سرمایه بین المللی تضمین می شد، که از پانزده آگست متوقف شده است.

سرمایه بانک مرکزی افغانستان در امریکا منجمد گردیده است و همچنان تأدیات توسط صندوق بین المللی پول متوقف گردیده است.

آیا توزن قوا به نفع طالبان است؟

چگونه ممکن خواهد بود که جامعه بین المللی بالای شان فشار بیاورد تا در مقابل قبول نمودن شرایط جامعه بین المللی، رژیم شان به رسمیت شناخته شود؟

روسیه، چین و پاکستان آماده هستند که با طالبان گفت و گو نمایند.

قرار اظهارات جیل دورانسور Jilles Dorransoro افغانستان شناس:

متأسفانه در باره شناسایی رژیم طالبان حرف زده نمی شود، به رسمیت نشناختن طالبان نشان دهنده مزایا برای پاکستان است، زیرا به پاکستان اجازه این را می دهد که بالای تحریک طالبان از موقف برتر بودن خود مستفید گردد.